

سرمقاله

کوروش پیروزمش
خبرنگار

چرا حق والیبالی را نمی‌دهید؟

تیم ملی والیبالی همراه با تیم ملی لهستان در یک پرواز از ژاپن به دبی رفت. با این تفاوت که اعضای تیم ملی لهستان روی صندلی‌های فرست نشسته بودند و اعضای تیم ملی ایران همراه با مسافران عادی به اکونومی رفتند. این البته تنها تفاوت تیم ملی ایران با تیم‌های دیگر نیست و اینها دقیقاً همان چیزی است که تیم ما را متفاوت کرده. اگر تیم ژاپن به یکباره از آسیا جدا شد و اگر چین دوباره به تیم‌های مدعی آسیا پیوست دلایل این بود که مدیران کشور این ورزش را جدی گرفتند. هر سال که مسابقات معتبر والیبالی (از جمله لیگ ملت‌ها) آغاز می‌شود، مردم ایران به این امید بازی‌ها را دنبال می‌کنند که فقط برد و موفقیت تیم ملی را ببینند. هر شکست تیم ملی ضربه‌ای بزرگ به این رشته و ورزش ما است و این دقیقاً همان حقیقتی است که باید مدیران بدانند. والیبالی به تنهایی نمی‌تواند وارد محرکه رقابت‌های معتبر لیگ ملت‌ها شود و قطعاً باید دست‌هایی دست والیبالی را بگیرند. از وزارت ورزش و بالاتر از آن صدا و سیما که متأسفانه پول والیبالی را نمی‌دهد. رسانه ملی باید برای پخش بازی‌ها پول پرداخت کند و این پول را پرداخت نمی‌کند و این پول از حق شرکت تیم ملی در لیگ ملت‌ها و رویدادهای بزرگ از جمله مقدماتی المپیک کم می‌شود. این پول البته پرداخت می‌شود اما با تأخیری بسیار زیاد. تأخیر زیاد که شاید دیگر به کار والیبالی نیاید. صدا و سیما با پول مسابقات امسال و مقدماتی المپیک (که در پیش است) نزدیک به ۹۰۰ هزار دلار به فدراسیون بدهکار است اما این پول در کشاکش مسابقات به دست فدراسیون نمی‌رسد و به همین دلیل است که بازیکنان ما دارای امکاناتی نمی‌شوند که شایسته‌اش هستند. والیبالی یکی از رشته‌های مورد اقبال مردم است و به همین دلیل عمده باید مورد توجه مدیران و مسئولان هم قرار بگیرد. حق والیبالی باید درست پرداخت شود تا این رشته بتواند دل‌ها را شاد کند. فدراسیون والیبالی اگر دست‌ها و بی‌پناه بماند، تیمی خواهد داشت که فقط برای شکست به لیگ ملت‌ها می‌رود در حالی که این جوانان با کمی حمایت می‌توانند به بزرگترین دلیل غرور و شکوه ورزش ما تبدیل شوند. لطفاً حق والیبالی را بدهید تا باز آشک شادی را میهمان چشمان ما کند.

خبر

۲ نامزد انتخابات باید استعفا بدهند

کمیسیون بررسی صلاحیت‌های نامزدهای انتخاباتی هیأت فوتبال تهران مدتی قبل ۱۶ نامزد را تأیید و این نفرات را برای اخذ تأییدیه به مراجع ذی صلاح معرفی کرد. از بین نفراتی که این کمیسیون تأیید کرده ۲ نامزد شرایط خاصی دارند. صادق درودگر که حدود ۲ هفته قبل به مدیرعاملی باشگاه نساجی انتخاب شد و از طرفی حسین خبیری نیز با ارائه استعفا نامه ثبت شده به دبیرخانه برگزاری انتخابات هیأت، اعلام کرده بود از عضویت در هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس کناره‌گیری کرده است. با وجود این به این دلیل که درودگر در حال حاضر مشغول مدیریت در باشگاه نساجی است و خبیری نیز همچنان به عنوان عضو هیأت مدیره پرسپولیس فعالیت می‌کند، از آنها خواسته شده تا پایان فرایند برگزاری انتخابات استعفا نامه خود را ارائه بدهند، در غیر این صورت طبق اساسنامه حق شرکت در انتخابات را نخواهند داشت.



درباره گل محمدی شایعات زیادی شنیده شده و عده‌ای گفته‌اند او ترجیح می‌دهد به جای ادامه کار در باشگاه بسیار پر مسئولیت و پرحاشیه پرسپولیس، به یک تیم صنعتی بپیوندد که سر کیسه را به شکل حیرت‌انگیزی برای او شل کرده اما یحیی عاقل تر از آن است که نداند توفیق‌هایی که سرخ‌های تهرانی می‌توانند نصیب او کنند، هرگز در حیطه توان و دسترس باشگاه‌های دیگر پول‌شان از پارو بالا می‌رود، نیست



طهمورث حدیری:

روی انتخابات نظارت کامل داریم

طهمورث حدیری رئیس کمیته امور استان‌های فدراسیون فوتبال در مورد حواشی انتخابات قبلی هیأت تهران گفت: «وقتی برای هیأت فوتبال استانی سرپرست تعیین می‌شود، اختیار دارد دبیرش را انتخاب کند. براتی هم تشخیص داد ماندن تیموری به مصلحت هیأت فوتبال است و در این کمیته باشد. ضمن اینکه خود فدراسیون فوتبال و من روی برگزاری انتخابات هیأت تهران نظارت کامل داریم و تاکنون هم روند برگزاری انتخابات سالم و سلامت انجام شده است.»



مهدی تاج:

ژیان نمی‌تواند با بی‌امو مقابله کند

تاج در مورد سقف قراردادها و بحث فریبلی مالی در بخشنامه جدید گفت: «یکی از موارد صدور مجوز حرفه‌ای این است که باید تراز مثبت باشد تا باشگاه‌ها به سمت مجوز حرفه‌ای بروند. ضمن اینکه اختلاف قیمت شدیدی بین باشگاه‌ها وجود دارد. یک باشگاه با ۲۵ میلیارد تومان اداره می‌شد و باشگاه دیگر با ۴۱۱ میلیارد تومان، این موضوع فریبلی مالی نیست، مگر می‌شود بگوییم یک ژیان و بی‌امو با هم مقابله کنند. طبیعی است در این حالت بازی جوانمردانه مالی محقق نخواهد شد.»



حسین عبدی:

استارت با افغانستان

تیم ملی فوتبال جوانان کشورمان که برای حضور در جام ملت‌های آسیا از ۱۵ خردادماه به تایلند سفر کرده است، در نخستین بازی خود در جام ملت‌های زیر ۱۷ سال آسیا از ساعت ۱۷:۳۰ (به وقت تهران) روز جمعه ۲۶ خردادماه به مصاف افغانستان خواهد رفت. شاگردان حسین عبدی در اردوی پیش از مسابقات جام ملت‌های آسیا، دو بازی دوستانه با تیم‌های منتخب بانکوک و چونیوری برگزار کردند که هر دو دیدار با پیروزی ملی‌پوشان کشورمان همراه بود.

وفور تیم‌های بلا تکلیف و مربیان پا در هوا در ایام «پیش فصل»

۵۰ روز پر دغدغه

برخی مربیان را باید این روزها مربیان سرگردان لیگ نامید و سرآمدان آنها شاید محمد ربیعی و علیرضا منصوریان باشند. وقتی ۶ ماه پیش در بحبوحه لیگ بیست و دوم محمد ربیعی به صراحت گفت که در پایان این مسابقه‌ها از گل‌گهر سیرجان جدا می‌شود، به نظر می‌رسد که به طور قطع و یقین تیم بعدی‌اش را شناسایی کرده اما ۲۵ روز پس از اتمام این لیگ حتی قطعی نیست که او هدایت یکی از ۱۶ تیم حاضر در لیگ بعدی را برعهده داشته باشد. در این حدفاصل شایعات مربوط به انتصاب احتمالی ربیعی به سرمربیگری تیم ملی امید فوتبال ایران هم رنگ باخته و هدایت این تیم یک ماهی است که به طور رسمی به رضا عنایتی سپرده شده است. علیرضا منصوریان که در میانه فصل پیش به جانشینی جواد نکونام ورامدار فولاد خوزستان شد، در این تیم بد کار نکرد اما اینک بر سر خواستش دعوا است و اکثر هواداران فولاد می‌گویند او باید برود. برخی می‌گویند که وی با وجود باقی ماندن در تشکیلات فولاد به واقع رفته است و اگر اعلام رسمی و جانشین او معرفی نمی‌شود، به سبب کارهای اداری اینگونه قضایا و ملاحظاتی اخلاقی مدیران «فولاد» است که شاید می‌خواهند این کار در نهایت آرامش انجام شود.

افتاد. وقت برای کارهای اساسی در باشگاه‌های بلا تکلیف تنگ است و اقدامات شتابزده معمولاً جواب نمی‌دهد. اینکه نزدیک به نیمی از تیم‌های لیگ یا سرمربی‌شان به کلی مشخص نیست و یا مربیان موجود از انجام تغییر در وضعیت خود و کوچ به تیمی پرسودتر استقبال می‌کنند، حاکی از آن است که ثبات لازم در کار آنها نیست و امکان ندارد که این عدم پایداری‌ها و وفور تردیدها و جاه‌طلبی‌ها و ناراضی‌های روی این تیم‌ها و مربیان‌شان اثر منفی نگذارد.

تیم‌هایی سرفراز شده‌اند که بلا تکلیف نبوده و پرسنل خود شامل کادر فنی‌شان را می‌شناخته و یک «پیش فصل» خوب را سپری کرده و به حد کفایت تمرین کرده و بازی‌های خودشناسی انجام داده‌اند. اینها بدین معنی است که مس رفسنجان، گل‌گهر، فولاد، آلومینیوم، ملوان و البته استقلال تهران باید هر چه زودتر سرمربیان قطعی خود برای فصل آینده را مشخص و بر اساس آرای آنان اقدام به جذب بازیکنان مورد نظر کنند و گرنه از قافله پیش‌تازان عقب خواهند

انزلی را در لیگ برتر ماندنی کرد و هواداران، وی را دوست دارند. الان برای اینکه گفته شود تیم‌های بدون مربی مانده سرنوشت تلخی در لیگ بیست و سوم خواهند داشت، قدری زود است زیرا هنوز حدود ۵۰ روز تا شروع فصل بعد باقی مانده است و در ایام «پیش فصل» به سر می‌بریم اما با گذشت ۷ تا ۱۰ روز دیگر این دیرکرد آشکارتر و تأثیرگذارتر خواهد شد و دغدغه‌ها فزونی خواهد گرفت. تاریخ و نتایج ادوار قبلی لیگ به ما می‌گوید که در اکثر موارد

بزودی وقت تنگ می‌شود سعید الهویی جانشین امیر قلعه‌نویی در گل‌گهر و دستیار اول او در تیم ملی چنان در تیم سیرجانی بد نتیجه گرفت که طرفداران این تیم سایه او را با تیر می‌زنند و بهتر است گذرش دوباره به کرمان نیفتد ولی مازیار زارع که خودش دست به استعفا از سرمربیگری ملوان زد، اگر اراده کند به راحتی به این تیم محبوب گیلانی بازخواهد گشت زیرا فصل پیش در سخت‌ترین شرایط و با کمترین امکانات مالی «قو»ی سپید

ابقای «دقیقی» مردود و پورموسوی مصمم

دو تیمی که از «لیگ یک» بالا آمده و جای نفت مسجدسلیمان و مس کرمان سقوط کرده را گرفته و در لیگ برتر بیست و سوم شرکت خواهند کرد، سرمربیان قطعی خود را می‌شناسند و آن مربیان همان‌هایی هستند که سبب‌ساز صعود شمس آذر قزوین و استقلال خوزستان به بالاترین دسته لیگ کشور شدند. سعید دقیقی که کارش در تیم قزوینی فوق‌العاده بود و از سه ماه مانده به پایان فصل قهرمان شدن شمس آذر در لیگ دسته اول را قطعیت نسبی بخشید، پس از مدتی‌ناز کردن برای این تیم و بارها صحبت درباره جدایی از شمس آذر و مردود نشان دادن دو، سه هفته‌ای است که آرام گرفته و قصد ماندن دارد و شاید تغییر رویه او به این سبب باشد که تصور می‌کرد تیم‌های لیگ برتری برای تصاحب او صف می‌بندند و سر و دست خواهند شکست و چون اینطور نشد، مجبور شده به همان شمس آذر بچسبند! سیروس پورموسوی اما بعد از الحاق به استقلال خوزستان در نیم فصل و تصدی پست سرمربیگری آن برای سومین بار در عمر ورزشی خود، یک صعود «آخرین لحظه‌ای» را برای تیم آبی‌پوش اهوازی به تصویر کشید و برخلاف دقیقی قهر و ناز نکرد و مصمم نشان داد و در کنار مدیران باشگاه ماند و بدیهی است که این مدیران اولویت را برای لیگ بیست و سوم به وی بدهند زیرا او هم نتیجه گرفته و هم با فرمول‌ها و روش‌های کاری در این باشگاه کاملاً آشنا است و البته نرخش هم زیاد بالا نیست.

یحیی عاقل تر از آن است که برود

بالاترین نرخ را در میان سرمربیان لیگ برتر یحیی گل محمدی دارد که برای پرسپولیس یک سه‌گانه آورد. درباره او شایعات زیادی شنیده شده و عده‌ای گفته‌اند او ترجیح می‌دهد به جای ادامه کار در باشگاه بسیار پر مسئولیت و پرحاشیه پرسپولیس، به یک تیم صنعتی بپیوندد که سر کیسه را به شکل حیرت‌انگیزی برای او شل کرده اما یحیی عاقل تر از آن است که نداند توفیق‌هایی که سرخ‌های تهرانی می‌توانند نصیب او کنند، هرگز در حیطه توان و دسترس باشگاه‌های دیگر ولو تیم‌هایی که پول‌شان از پارو بالا می‌رود، نیست. سرمربی سیاهان که زوزه موریس پرتغالی است، با پیشنهادات دیگران هوایی نشده و قصد ماندن دارد و طراحی‌ها و اقدامات‌ش را هم برای فصل آتی شروع کرده است.

وقتی «تقاضا» بیشتر از «عرضه» است

سرمربیانی که پر خواستار نیستند و در نتیجه دوست دارند در تیم‌های فعلی‌شان بمانند (اما این تیم‌ها هنوز به آنها جواب مثبت نهایی نداده‌اند) مجتبی حسینی در پیکان و مهدی تارتار در ذوب‌آهن هستند. عبدالله ویسی هم در صنعت نفت همین وضع را دارد اما او مشکل فنی ندارد و به واقع طراح و مجری فرار معجزه‌وار این تیم آبادانی از سقوط حتمی به «لیگ یک» و ابقایش در لیگ برتر بود اما چون در پایان فصل اعضای هیأت مدیره صنعت نفت استعفا داده‌اند و معلوم نیست کارشان به کجا می‌انجامد، طبعاً کادر فنی این تیم نیز بلا تکلیف است. در دو انتقال قطعی سیدمهدی رحمتی رهبری نساجی را در دست گرفته و محمود فکری سرمربی «هوادار» شده و مربیان بیرون مانده که شامل ساکت الهامی هم می‌شوند، به چند تیمی که هنوز سرمربی فصل بعدشان مشخص نشده، چشم دوخته‌اند و آن تیم‌ها همانطور که قبلاً هم اشاره شد، مس رفسنجان، گل‌گهر و آلومینیوم هستند و شاید ملوان را هم بتوانند در صورت عدم بازگشت زارع به این جمع اضافه کرد. استقلال هر روز بیشتر از روز قبل به سوی جواد نکونام کشیده می‌شود و چون تعداد سرمربیان بدون تیم بیشتر از شمار تیم‌های بلا تکلیف مانده است و «تقاضا» بیش از «عرضه» نشان می‌دهد، تعدادی از مربیان از گردونه بیرون می‌مانند و در زمان شروع لیگ بیست و سوم فقط تماشاگر رقابت‌ها خواهند بود.



دفع شدن الهویی از این باشگاه متمول اما بد اقبال باید برنده اصلی لیگ بیست و دوم تلقی کرد و حتی بدون مربی ماندنش در کل فصل آینده بر استفاده مجدد از این مربی پر سخن اما کم عمل ارجح‌تر و پرسودتر شمرده خواهد شد!

سهراب بختیاری زاده و مهدی رجب‌زاده را در چرخه خود نخواهد داشت و همینطور رضا عنایتی کوچ کرده به تیم ملی امید و مجید جلالی دانش پژوه را و البته از دست سعید الهویی هم که وصف او را پیش‌تر آوردیم، راحت خواهد شد. به واقع گل‌گهر را به سبب

گرفت. تحت هر شرایطی به نظر می‌رسد لیگ بیست و سوم در زمان شروعش امثال فرزاد حسین خانی و ابراهیم اشکش سرمربیان دو تیم سقوط کرده لیگ برتر و مربیان گسیل شده به «لیگ یک» مانند فراز گم‌لوند، پیروز قربانی، مهدی پاشازاده،

آنها پس از ۱۰ هفته برمی‌گردند! با این حال تعدادی از این مربیان پا در هوا بعد از ناکام ماندن شماری از تیم‌ها در ۱۲-۱۰ هفته نخست لیگ بعدی به رسم معمول مجدداً وارد چرخه این مسابقات می‌شوند و جای مربیان شکست خورده را خواهند